

آموزه های تربیتی سوره مبارکه مرسلات

مریم قادری^۱

چکیده

سوره مبارکه مرسلات، یکی از سوره های مکی قرآن کریم است که به موضوعات مختلفی از جمله قیامت، رسالت پیامبران و نشانه های قدرت الهی می پردازد. این سوره با نگاهی عمیق به مسائل تربیتی، آموزه های مهمی را برای راهنمایی انسان ها در زندگی فردی و اجتماعی ارائه می دهد. هدف از این مقاله بررسی آموزه های تربیتی سوره مبارکه مرسلات است زیرا با تأکید بر رسالت پیامبران، سوره به اهمیت پیروی از آموزه های دینی و اخلاقی اشاره شده است. این پژوهش به روش توصیفی و کتابخانه ای گردآوری شده است. در نتیجه، در این پژوهش سوره مبارکه مرسلات با تأکید بر مفاهیم بنیادی تربیتی، انسان را به تأمل در وجود خود، ارتباط با خداوند و مسئولیت پذیری در قبال اعمالش دعوت می کند. این آموزه ها نه تنها به رشد فردی کمک می کند، بلکه می تواند به بهبود روابط اجتماعی و تقویت هنجارهای اخلاقی در جامعه نیز منجر شود، همچنین تأکید بر نتایج اعمال در روز قیامت، اهمیت خودسازی و مسئولیت پذیری فردی را نمایان می سازد و انسان را به اصلاح رفتار و کردار خود ترغیب می کند.

کلیدواژه: آموزه، آموزه های تربیتی، سوره مرسلات.

^۱ طلبه غیرحضورى سطح دو M.family.۱۶۳۷۶@gmail.com

اشرف مخلوقات به معنای برترین موجود خداوند بودن است که با عنایت با آیات و روایات مختلف، عموم مفسران بر این عقیده‌اند که این وصف والا مختص انسان است و خداوند آنجا که از رو پاک و مقدس خود در انسان دمید «نفخت من روحی» انسان را به مقام والای اشرف مخلوقات رساند اما صرف فرزند آدم بودن، آدمی مستحق این مقام والا نیست در واقع آمیزاد فقط با تربیت است که می‌تواند به مقام برتر مخلوقات یا همان اشرف مخلوقات برسد مقوله تربیت از ابتدایی‌ترین و اساسی‌ترین نیازهای زندگی بشری است انسان در پرتو تربیت صحیح است که به عنوان موجودی هدفمند به آرمان‌های خود می‌رسد. سوره مرسلات هفتاد و هفتمین سوره قرآن است که در جزء بیست و نهم قرار دارد و شامل ۵۰ آیه شریفه می‌باشد. سوره مرسلات سی و سومین سوره ای است که بر پیامبر (صلی‌الله علیه و آله و سلم) نازل شده است و جزء سوره های مکی محسوب می‌گردد. نام این سوره برگرفته از آیه اول است که با مرسلات آغاز شده است و مراد از آن فرشتگانی هستند که از سوی خداوند برای انجام امور مختلف، فرستاده می‌شوند. از آنجا که تربیت زمینه‌ساز برتری انسان بر همه موجودات است، خداوند خود را رب للعالمین معرفی می‌نماید. واژه رب هر گاه به طور مطلق به کار رود اختصاص به خداوند خواهد داشت. رب در معنای مصدری معادل تربیت گرفته شده است، یعنی گرداندن و پروراندن پی در پی چیزی تا حد نهایت. در واقع تربیت یکی از مهم‌ترین و عمده‌ترین مفاهیم مورد نظر در دین اسلام و معارف اسلامی است و فلسفه بعثت پیامبران به ویژه پیامبر اسلام (صلی‌الله علیه و آله و سلم) تربیت است. به طور حتم قرآن کریم آخرین و کامل ترین کتاب آسمانی است که از سوی خداوند رحمان برای هدایت نسل

بشر نازل گردیده است که به عنوان مهمترین منبع تربیت اسلامی مورد توجه می‌باشد. این کتاب نورانی سرا سر حاوی نکات تربیتی است که از آغاز نزول آیات وحی بر پیامبر (صلی‌الله علیه و آله و سلم) تاکنون توانسته

نقش تربیتی خود را به خوبی ایفا کند. قرآن کریم، کامل‌ترین کتاب انسان‌سازی و شایسته‌ترین نسخه شفابخشی است که از ناحیه خداوند متعال برای هدایت بشر و شکوفاسازی خرد و قدرت بخشیدن به اراده انسان برای وصول به کمال و سعادت دنیوی و اخروی نازل شده است. در این معجزه جاوید، ضمن احاطه و پوشش همه ابعاد و نیازمندی‌های هدایتی بشر، عوامل تعالی و انحطاط حیات دنیوی و اخروی انسان ترسیم شده است و در فرازهای متعدد بر مهم‌ترین هدف نزول قرآن، یعنی تربیت و هدایت انسان تأکید شده است. بنابراین با توجه به مباحث فوق این پژوهش در نظر دارد پآموزه‌های تربیت سوره مرسلات را مورد بررسی و تحلیل قرار بدهد. در مورد موضوع انتخاب شده تحقیقاتی به صورت پراکنده نگارش یافته است از جمله در مقاله «بررسی ترجمه‌های قرآن از منظر توجه به آهنگ آیات در ترجمه؛ مورد پژوهی: سوره مرسلات»، نوشته زینب عباسی‌نژاد؛ پژوهش حاضر ترجمه ۱۴ آیه ابتدایی سوره مرسلات را میان سه تن از این مترجمان بررسی می‌کند از میان ترجمه‌های منشور قرآن ترجمه رضایی و برزی و از میان ترجمه‌های منظوم، ترجمه تشکری مبنای این پژوهش است؛ و در مقاله «جستاری سبک‌شناسانه به سوره مبارکه مرسلات» نوشته علیرضا کاوه قرآن کریم، کتاب هدایت‌بخش آسمانی، زیبایی‌ها و لطایف بسیاری را در خود گنجانده است تا آنجا که می‌توان گفت به دلیل داشتن ویژگی‌های بی‌بدیل، یک کتاب فوق بشری و فرا زمانی است. این کتاب، آکنده از ظرافت‌های ادبی و جنبه‌های زبانی و سبکی است. جستار حاضر نیز، از رهگذر سبک‌شناسی با سطوح مختلف فکری، زبانی و ادبی و با روش توصیفی-تحلیلی، به واکاوی و تحلیل سبک سوره‌ی مبارکه‌ی مرسلات که یکی از سور مکی به شمار می‌رود پرداخته است. از مهم‌ترین یافته‌های پژوهش پیش‌روی، می‌توان به نوع فواصل و تکرارها در سطح آوایی، نوع جمله‌ها و فعل‌ها با توجه به محور هم‌نشینی در سطح نحوی و آرایه‌هایی نظیر «تناسب»، «تشبیه»، «تضاد» و «فلش‌فوروارد» در سطح ادبی اشاره نمود. به بیانی دیگر، تناسب میان الفاظ و معانی، مفاهیم و بافت‌های بیانی و تعبیری در این سوره حاکی از آن است که سبک حاکم بر آن در سطوح مختلف، با روح کلی قرآن یعنی دعوت به تدبیر و هدایت از درون هماهنگ است و

در نهایت نشانه‌ای از اعجاز بیانی (تعبیری) این سوره می‌باشد؛ اما وجه تمایز پژوهش ما بررسی آموزه های تربیتی سوره مبارکه مرسلات است. سؤال اصلی در مقاله این است؛ آموزه های تربیتی سوره مبارکه مرسلات چیست؟

و سؤالات فرعی شامل این موارد است:

۱- آموزه های اعتقادی در سوره مرسلات چیست؟

۲- آموزه های اخلاقی در سوره مرسلات چیست؟

با توجه به پیشینه موضوع می‌توان گفت که در هیچ‌کدام از منابع اشاره شده به صورت مستقیم به مطلب مورد نظر اشاره نشده است و این خصلت در سوره مرسلات مورد بررسی نگرفته است بنابراین این مقاله با روش توصیفی و شیوه کتابخانه‌ای نوشته شده است می‌تواند جدید باشد.

۱. مفهوم شناسی

پیش از پرداختن به بحث‌های اصلی لازم است کلمات کلیدی و تأثیرگذار را که در این پژوهش مطرح است مورد بررسی لغوی و اصطلاحی قرار داده شود تا با روشن شدن مفاهیم آن‌ها، تبیین هرچه بیشتر بحث ممکن شود.

۱-۱. واژه مرسلات در لغت

«مرسلات» جمع «مرسل» به معنای فرستاده شدگان است. منظور از مرسلات یا فرشتگان ابلاغ وحی الهی به پیامبران است یا تندبادهایی که فرستاده می‌شود. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ص ۲۸۵). هفتاد و هفتمین سوره قرآن مرسلات نام دارد؛ انتخاب نام «مرسلات» برای این سوره به تناسب نخستین آیه این سوره است. مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ص ۳۹۲).

۱-۲. واژه سوره در لغت و اصطلاح

سوره در مفهوم لغوی به معانی متعددی آمده است و علت آن، اختلاف نظری است که در ریشه اصلی آن وجود دارد که از ماده «سَـرَّ، یَسَارُ، سَثَرًا» است یا از ماده «سار، یَسور، سورًا». چنان چه از ریشه نخست باشد، به معنای باقی مانده است. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ص ۳۳۹). و اگر از ریشه دوم باشد که بر علو و ارتفاع و بالا رفتن و صعود کردن دلالت دارد، به مفهوم برجسته، ممتاز و مشخص خواهد بود. بر پایه معنای دوم، به برآشفستگی هنگام خشم، «سَوْرَةُ الْغَضَبِ» و به برآمدن خمر هنگام جوشیدن و غلیان نیز «سَوْرَةُ الْخَمْرِ» می‌گویند. (ابن فارس، ۱۳۸۷، ص ۱۱۵؛ طبرسی، ۱۳۸۴، ص ۲۱۸). بر پایه معنای دوم برای سوره، معانی شش‌گانه‌ای ذکر کرده‌اند: فضل و منزلت، شرف، علامت و نشانه، ساختمان زیبا و برافراشته، هر رده از رده‌ها و رگه‌های دیوار و قسمت مجزا از دیگری است.

و در اصطلاح و عرف مسلمانان، عبارت است از: «مجموعه‌ای از آیات که کمیت و آغاز و انجام آن توقیفی و بر پایه وحی است». (فیروزآبادی، ۱۳۸۰، ج ۲ ص ۵۳). و بر این اساس، به هر یک از فصول و بخش‌های صد و چهارده‌گانه قرآن کریم، سوره گفته می‌شود. هر یک از سوره‌های قرآن، یک هدف یا چند هدف را بر اساس پذیرش یا عدم پذیرش وحدت موضوعی سوره‌ها تعقیب می‌کند و معارفی خاص را در بردارد و با «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» آغاز می‌شود، مگر سوره توبه. (سیوطی، ۱۳۹۲، ج ۱ ص ۱۴۷). بنابراین سوره در اصل مجموعه‌ای از آیات است که این سور و دیواری که به دور این مجموعه کشیده شده است، گاهی از سوی خداوند متعال است و گاه به پیامبر (صلی‌الله علیه و آله) منسوب است و گاه به ائمه معصومین (علیهم‌السلام) و بزرگان دین استغ و هرگاه آیه‌ای به همراه آیه یا آیات قبل یا بعد از خود مورد توجه و عنایت خاص قرار بگیرد یک سوره را تشکیل می‌دهد.

۱-۳. واژه تربیت در لغت و اصطلاح

تربیت از ریشه «ربو» و از باب تفعیل است؛ چرا که کلمه ناقص، هنگامی که به باب تفعیل برده می‌شود، مصدر آن‌ها بر وزن تفعله می‌شود. مانند: تربیه، تزکیه، تحلیه و... (طباطبایی، ۱۳۷۱، ص ۱۷۱).

این‌گونه که از سخن اهل لغت برمی‌آید، در این ریشه به نوعی می‌توان معنای زیادت و رشد را یافت و در موارد مختلف استعمال خود نیز این معنا را دارد. عرب‌زبانان به تپه «رَبَوَه» می‌گویند، چرا که نسبت به سطح زمین برآمده‌تر است. (ابن فارس، بی تا، ۴۸۳). راغب اصفهانی، در کتاب مفردات ألفاظ القرآن در معنای این لغت همان سخن العین را آورده است و در کنار آن به بیان قولی نیز قایل شده است که اصل این کلمه از (ربب) می‌داند که یک حرف آن برای تخفیف در لفظ به حرف (ی) تبدیل شده است. (راغب اصفهانی، بی تا، ص ۳۴۰). همچنین واژه تربیت از ریشه «ربو» به معنای فزونی، رشد و برآمدن، گرفته شده است. و در اصطلاح به معنای ایجاد زمینه‌ای مناسب برای پرورش استعدادهای جسمانی و روحانی و هدایت آن‌ها در جهت مطلوب، ضمن جلوگیری از کج‌روی‌ها و ناهنجاری‌هاست. (جوهری، ۱۳۶۹، ص ۱۵). این واژه در فرهنگ فارسی، پرورش دادن و پروراندن معنا شده؛ و مراد از آن، فراهم کردن زمینه مناسب برای پرورش استعدادهای جسمی، روحی و معنوی است. به نحوی که استعدادهای متناسب با فطرت خدایی او شکوفا و در جهت مطلوب هدایت شود. «قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى» (طه: ۵۰)؛ «پروردگار ما همان کسی است که به هر موجودی، آنچه را لازمه آفرینش او بوده سپس هدایت کرده است.» بنابراین کامل شدن انسان مرهون تعلیم و تربیت مربیان و الامقام صورت می‌پذیرد. هر مربی تنها پس از آن که به چیرستی انسان پی برد و با فلسفه خلقت او آشنایی یافت، می‌تواند به تعلیم و تربیت وی بیندیشد. مربی ابتدا باید از خود بپرسد که انسان را برای کدام عالم آماده می‌کند؟ آیا هدف از آموزش و آماده‌سازی، تنها برای زیستن او در دنیاست و یا برای رهسپار شدن به حیات جاوید است؟ همان‌طور که در حدیث قدسی آمده است: «خَلَقْتُ الْأَشْيَاءَ لِأَجْلِكَ، وَ خَلَقْتُكَ لِأَجْلِي»؛ «بنده من، اشیاء را برای خاطر تو خلق کردم و تو را به خاطر خودم.» (حر عاملی، ۱۴۰۵، ص ۷۱۰).

طبق این حدیث هر انسانی پس از استفاده از نعمت‌های الهی، بایستی گام در راه هدایت الهی بردارد تا به قرب خداوند نائل آید و در این صورت است که بقای واقعی حاصل شده، همان‌گونه که رسول خدا (صلی‌الله علیه و آله وسلم) می‌فرماید: «إِنَّمَا خُلِقْتُمْ لِلْبَقَاءِ لَا لِلْفَنَاءِ» (آمدی، ۱۳۹۵، ص ۱۳۳)؛ «همانا شما برای بقا آفریده شده‌اید نه برای نابودی». رسیدن به این هدف متعالی نیازمند شناخت تمام نیازهای انسان است تا بتوان نحوه صحیح برآورده ساختن هرکدام از این نیازها را به‌نوعی در برنامه آموزشی و تربیتی او قرارداد؛ بنابراین شایسته است که هر مربی، تعریف درستی از تعلیم و تربیت داشته باشد و با توجه به عوامل حاکم بر رشد او یعنی فطرت، وراثت و محیط، تحت آموزش خویش قرار دهد و تربیت کند. با این توضیحات مشخص می‌شود که تربیت امری عادی نیست که به‌سادگی بتوان از کنار آن گذشت بلکه تربیت عبارت است از؛ «مجموعه‌ای از تلاش‌ها، فرصت‌ها، امکانات، اقدامات و برنامه‌ها که از بدو انعقاد نطفه تا واپسین دم حیات صورت می‌گیرد و هدف از آن بارورسازی هم‌جانبه توان‌های بالقوه‌ی فرد در راستای اهداف متعالی، انسانی و اجتماعی است». (به پژوه، ۱۳۹۷، ص ۱۷-۱۹).

۲. آموزه‌های تربیتی سوره مبارکه مرسلات

سوره مبارکه مرسلات، یکی از سوره‌های مکی قرآن کریم است که در جزء آخر قرآن، در دل کتابی هدایتگر قرار گرفته است. این سوره با لحنی کوبنده و آیاتی روشنگر، مخاطب را به تدبیر در عظمت آفرینش، سرنوشت انسان‌ها در دنیا و آخرت، و حقیقت رسالت الهی فرا می‌خواند. جایگاه ویژه این سوره در قرآن، آن را به منبعی غنی برای استخراج آموزه‌های تربیتی بدل ساخته است؛ آموزه‌هایی که نه تنها در دوران نزول، بلکه در هر زمان و مکانی، راهگشای انسان در مسیر رشد و کمال است. آموزه‌های تربیتی در اعتقاد، تربیت و اخلاق در رسیدن به قرب و خشنودی الهی نقش مؤثری دارد که در ادامه به بیان این آموزه‌ها پرداخته شده است..

۲-۱. آموزه‌های اعتقادی در راستای سوره مرسلات

۱-۱-۲. تهدید و انذار مکذبان و منکران

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان ده بار در آن تکرار شده و هر بار به دنبال مطلب تازه‌ای است. بعد از ذکر سوگندهایی، از قیامت و حوادث سنگین و سخت رستاخیز خبر می‌دهد. گویی در این سوره بناست پیایی بر این هشدار تأکید رود که حجت خدا با بندگان از طریق ارسال رسولان کامل شده، و زمینه رویارویی انسان ها با پیامد اعمالشان فراهم آمده است.

۲- با توجه به آیه ۲ سوره مرسلات که به طوفان اشاره دارد، پیامد تربیتی آن تفکر انسان نسبت به آفرینش نظام هستی می‌باشد که به این درک برسد که حتی وزش باد و طوفان تصادفی نیست و خداوند با فرستادن آن هدف و پیامی دارد.

۳- با توجه به آیه ۲۷ سوره مرسلات که به منابع تأمین آب از طریق کوه‌ها اشاره دارد، پیامد تربیتی آن است که هستی (طبیعت) دارای نظم می‌باشد.

۲-۱-۲. روز رستاخیز و حسابرسی دقیق اعمال

معاد و عالم بعد از دنیا موضوعی است که در تمامی ادیان آسمانی و پیروان آن‌ها پذیرفته شده است و کمتر کسی را می‌توان یافت که بتواند منکر آن باشد. عالم هستی محدود به طبیعت نیست بلکه واقعیت‌های ماوراء طبیعی و متافیزیکی مانند خدا یا وقوع معاد در آینده هستی مطرح می‌باشد. در واقع موضوع معاد و وقوع آن از جمله مفاهیم فطری است به نحوی که هر انسان پاک طینت و یاک سیرتی که قلب او به سبب انکار خداوند سخت نشده باشد به صورت فطری به وقوع معاد معتقد است. بی‌شک یکی از پندآموزترین و تکان دهنده‌ترین حوادث در زندگی بشری مرگ است، که توجه به آن قلب‌های مستعد را از خواب غفلت بیدار کرده و کاخ آمال و آرزوهای دروغین و خیالی شخص را بر سرش خراب می‌کند و غرور و نخوت را از اعماق جان آدمی ریشه کن می‌نماید. یاد مرگ و قیامت در تربیت و تهذیب روح انسان تأثیر فراوان دارد و در منابع روایی اسلام

نیز به آن اشاره شده است. امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «یاد مرگ شهوات در نفس را می میراند و غفلت انسان را از بین می برد و باعث قوت قلب انسان به وعده های الهی می شود، طبیعت انسان را نرم و هوس را می شکند و آتش حرص را خاموش و دنیا را در نظر انسان حقیر می کند. (مجلسی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۱۳۲). معاد، رکنی بزرگ در اسلام و اصلی سترگ در حکمت و تعقل بوده و از پیچیده ترین مسائل از لحاظ دقت است و از اعظم سال در رتبه و شرافت می باشد. در قرآن به مثابه اصیل ترین متن اسلام، حدود چهار صد آیه در مورد معاد، سخن به میان آمده است. قرآن کریم می فرماید که برخی انسان ها معاد را محال می دانستند. (سبأ: ۷-۸) و برخی با استبعاد با آن برخورد کردند. (مؤمنون: ۳۵-۳۷). هر چند فهم مسائل معاد از امور پیچیده و غامض بوده و هست و به گفته برخی، پیچیده بودن و دشواری معاد، بیش از پیچیدگی اثبات مبدأ است چون علاوه بر مادیون که معاد را انکار می کنند، برخی از معتقدان به خدای عالم نیز، در مورد اصل معاد یا جسمانی بودن آن دچار شک شدند. اما مسلمانان عموماً و مفسران، متکلمان و فلاسفه اسلامی خصوصاً، قائل به معاد و اصل تحقق رجوع انسان در قیامت هستند. معاد به دو قسم روحانی و جسمانی قابل تقسیم است. معاد روحانی؛ این معاد که در قبال معاد جسمانی مطرح می شود، نوعی از معاد بوده که در متعلق آن فقط روح مطرح است. در این دیدگاه، بدن و جسد انسانی در عالم دنیا و در قبر پوسیده و فانی شده و آنچه که از انسان باقی می ماند و به عالم بقا منتقل می شود، همان ارواح انسان ها است. معاد جسمانی؛ معاد جسمانی یعنی بازگشت جسم در قیامت، خواه قائل به بازگشت روح در قیامت باشیم یا نباشیم. یقیناً قیامت حق است، چرا؟ برای اینکه تدبیری است، یک حساب و کتابی است، یک و حیانی است، یک نبوتی است، یک امری است، یک نهی ای است، یک شریعتی است.

این یقیناً روز پاداش دارد. این شدنی نیست که دستور باشد، امر و نهی باشد، شریعت باشد، تکلیف باشد و حساب و کتاب نباشد. قسم به مدبرات عالم قیامت حق است، پس قسم به برهان است، یک امر مناسب است. آنها هم که بر بادها حمل کردند آنها باید محاسبه بشود که باد هم در اختیار مدبرات امر است، فرشته ها

هستند، وکلای الهی اند یکی مسئول باد است، یکی مسئول آب است، یکی مسئول هوا است، یکی مسئول زمین است، همه مدبرات دارند. حالا مرسلات یعنی فرشته‌هایی که فرستاده می‌شوند برای بیان امر و نهی و شریعت و اینها یا نه بادهایی که فرستاده می‌شوند تدبیر که است. دوازده بار در سوره مبارکه مرسلات که پنجاه آیه دارد ترجیع بند گونه ذکر شده است. محور اصلی این سوره مسئله معاد است. اهمیت این سوره مبارکه در جریان معاد است. لذا در این سوره پنجاه آیه‌ای ده بار خدا از عظمت قیامت یاد می‌کند: و به ما هشدار می‌دهد که هر کاری که می‌کنید باید پا سخگو باشید، حساب و کتابی دارد و به ما هشدار می‌دهد هیچ جا بسته نیست، هیچ کس راه شما را نمی‌بندد، هیچ کس جلوی رزق شما را نمی‌گیرد. کل این نظام را ما برای شما خلق کردیم اگر واقعاً برود به سراغ علم و دانش هرگز نمی‌ماند هرگز راه بسته نیست. (مدرکی، ۱۴۰۰، ص ۲۵).

۳-۱-۲. اعتقاد به معاد

یکی از اصول مهم تربیتی در اسلام اصل تذکر است تا آنجا که خداوند یکی از نام‌های مهم و اصلی قرآن کریم را ذکر بیان می‌نماید. یکی از وظایف اصلی پیامبران نیز همین تذکر بوده است که به سبب آن آنچه راکه در وجود انسان‌ها نهاده شده ولی از یادشان رفته است را مجدد به آن‌ها یادآوری نماید. اعتقاد به زنده شدن پس از مرگ ظاهری و حیات دوباره نه تنها ریشه در فطرت انسان‌ها دارد، بلکه در سرلوحه برنامه‌های فرهنگی و تبلیغی پیامبران الهی قرار داشته است. تمامی راهنمایان آسمانی انسان‌ها را به باور قیامت فرا خوانده‌اند به طوری که تبیین و تعمیق اعتقاد به معاد به موازات اعتقاد به مبدأ فصل مشترک برنامه تمامی پیامبران توحیدی بوده است. در برنامه تبلیغی آخرین رسول الهی پیامبر اکرم (صلی‌الله علیه و آله و سلم) نیز اعتقاد به معاد از جایگاهی ویژه برخوردار بوده و آن معلم راستین بشری در زمان بعثت و در جای جای پیام

انسان‌ساز خویش. مردم را به باور قیامت دعوت کرده‌اند. قرآن کریم مجموعه تعالیم اسمانی و سند نبوت آن رسول الهی و بهترین شاهد این مدعا است و در تعداد قابل توجهی از آیات قرآنی مستقیم و غیر مستقیم، به این اعتقاد و ویژگی‌ها و آثار آن اشاره شده است. بر اساس یک طبقه بندی موضوعی قرآن کریم، بیش از ۱۶۴۰ آیه، معادل ۲۵/۸ درصد از کل آیات به تبیین و تشریح موضوع قیامت و آخرت اختصاص دارد. هر چند پذیرش معاد در ردیف اعتقاد به توحید و نبوت یکی از سه اصل اساسی دین باوری تلقی می‌شود با این حال یکی از دغدغه‌های اساسی حوزه کلام، فلسفه و عرفان اسلامی تبیین کیفیت وقوع این حقیقت است. نصیرالدین طوسی، فیلسوف و متکلم برجسته اسلامی با تاکید بر قدرت علم و سایر صفات خداوند و اینکه معاد اعاده معدوم نیست، بلکه تفرق اجزا است، از سویی وقوع معاد را از نظر عقلانی کاملاً امکان پذیر می‌داند و از سوی دیگر با تصدیق به لایتناهی بودن قدرت خداوند معاد جسمانی را توجیه پذیر لحاظ می‌کند. مولانا عارف و شاعر بزرگ مسلمان، نیز با تعمق و بهره‌گیری از آموزه های اصیل اسلامی از سویی باورمندی و ضرورت اعتقاد به معاد را عنصری روشن در نگاه به عالیشان داده و از سوی دیگر جسمانی بودن معاد را امری همگام با قاموس خلقت می‌داند. (درویش یور، ۱۳۹۵، ص ۵۴).

۴-۱-۲. پاداش و جزا

در آیات ۴۳ و ۴۴ سوره مرسلات به پاداش و جزا در روز معاد چنین آمده است که: ﴿كُلُّوْا وَآشْرَبُوْا هٰنِیْ اِیْمًا کُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ﴾ به ایشان گفته می‌شود: «به پاداش آنچه می‌کردید» در دنیا از اعمال شایسته «بخورید و بنوشید، خورد و نوشی خوش و گوارا». ﴿اِنَّا کَذٰلِکَ نَجْزِی الْمُحْسِنِیْنَ﴾ «ما نیکوکاران را بدین گونه جزا می‌دهیم» یعنی: ما نیکوکاران را در برابر اعمال‌شان به مانند این پاداش بزرگ جزا می‌دهیم پس ای انسان‌ها! عمل خود را نیکو سازید تا چنین پاداشی را دریافت دارید. هستی که دارای معاد است و در آن تکلیف وجود دارد و در واقع نظامی است که در آن امر و نهی است باید حتما دارای حساب و کتاب باشد یعنی وقتی انسان به سبب آن اراده و اختیاری که مشیت خداوند برای او بوده است، عمل می‌کند و در عالم هستی زندگی می‌کند باید نظام جزا و پاداشی وجود داشته باشد تا هر انسانی نتیجه اراده و اختیارش را ببیند. اعمال انسان

که اشکال مختلفی از انرژی‌ها هستند، طبق قانون بقای ماده و انرژی هیچ‌گاه از میان نمی‌روند و همواره در این جهان باقی خواهند بود، گرچه، انسان با مطالعه سطحی چنین می‌پندارد که از میان رفته‌اند. بقای این اعمال و ابدیت آن‌ها از یک سو سبب می‌شود که در رستخیز، به هنگام محاسبه اعمال، هر کسی تمامی اعمال خود را ببیند و جای برای انکار باقی نماند. و از سوی دیگر، سبب می‌شود که در میان اعمال خود، در رستخیز زندگی کند، رنج ببرد و یا آرامش بیابد، گرچه وسایل انسانی هنوز قادر نیست حوادث گذشته را جز آنچه مربوط به چند لحظه قبل است کشف کند. ولی مسلم است اگر دستگاهی کامل‌تر به وجود آید و یا دید و درکی کامل‌تر داشته باشد می‌تواند همه آنچه را که در گذشته روی داده است، احساس و درک کرد البته مانعی ندارد که قسمتی از پاداش و کیفرها هم جنبه قراردادی داشته باشد. (مکارم، ۱۳۷۱، ص ۵۹۲).

فراگیران با تکیه بر فضیلت‌ها و قابلیت‌ها، توانمندی خود را تقویت می‌کند و در پی آن است که با شناخت و طبقه‌بندی قابلیت‌ها و فضیلت‌ها و کشف زوایای پنهان وجودی انسان، او را در بهره‌گیری از نیروهای نهفته درون و بیرونش بهتر یاری کند. (پیرانی، ۱۳۹۹، ص ۹۸).

۲-۲. آموزه اخلاقی

۲-۲-۱. مسئولیت‌پذیری در انتقال حقایق

آیات اول تا چهارم سوره مرسلات به وضوح بیانگر این هستند که در نظام هستی کارها و وظایف تقسیم شده و هر کاری به فرد یا گروهی سپرده شده است که این امر رمز مدیریت موفق در نظام هستی است. از نظر تعالیم و آموزه‌های دینی، عالم هستی به طور نظام‌مند نسبت به رفتار انسان واکنش نشان می‌دهد. آنچه برخی سنت‌گرایان معاصر در باب رابطه انسان و طبیعت و تبیین آموزه‌های ادیان در باب نظم حکیمانه عالم هستی گفته‌اند، نمونه‌هایی از پژوهش‌های مرتبط با این بحث بشمار می‌آید همچنان که در برخی آثار، به نقش دین در تنظیم روابط انسان با محیط زیست یا نظام اخلاقی عالم هستی و یا به نسبت رفتار انسان با حوادث طبیعی، اشاره شده است. (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ص ۴۸).

تأکید بر این آموزه و اعتقاد دینی، یعنی نظام اخلاقی عالم هستی و نشان دادن شواهد آن در قرآن کریم، چیز است. با این هدف که توجه به این شواهد ارزشمند قرآنی، گامی مؤثر در تبیین ضمانت اجرایی اخلاقی زیستن در پرتو تعالیم دینی باشد و ارتباط دین و اخلاق را در عرصه تربیت اخلاقی انسان، بیش از پیش نمایان سازد.

احساس مسئولیت یا احساس تکلیف همان باید درونی است که انسان را از انجام برخی اعمال ناشایست که به سبب اختیار و اراده اش می تواند انجام دهد، باز می دارد. گاهی اوقات انسان تحت شرایط بیرونی متأثر از بایدهایی می شود که شاید در ظاهر برای آنان الزام آور باشد اما انسان به سبب همان باید درونی یا احساس مسئولیت می تواند خود را مصون نگه دارد. وحی الهی و دین حق خاستگاه تعلیم و تربیت مسولانه ی بشریت از دریچه ی حقیقت عالم وجود یعنی توحید است. دین و پیام آورندگان معصوم آن، راهنما و راهبر بشریت در معرفت شناسی توحیدی و به دنبال آن مسئولیت شناسی و مسئولیت پذیری توحیدی بوده اند. مسئولیت شناسی و به دنبال آن مسئولیت پذیری یکی از ویژگی های تکوینی و انکار ناپذیر در جهان هستی و ارکان آن است. از آنجا که م سئولیت زاده و فرزند ارتباط است و ارتباط نیز جزء لاینفک و اساس هستی محسوب می شود، بنابراین، مسئولیت شناسی و مسئولیت پذیری یکی از ویژگی های ساری و جاری در تمام اجزای هستی و ارکان طبیعت نیز می باشد. (آسمانی، ۱۳۹۹، ص ۵۸).

۲-۲-۲. عبرت آموزی

یکی از آموزه های اخلاقی که فراوان در قرآن کریم به ویژه در سوره مبارکه مرسلات دیده می شود، روش عبرت آموزی است. قرآن کریم در این روش بر شتر از زبان قصه و قصه گویی استفاده کرده است. این روش برای بیان سرگذشت گذشتگان و آگاه سازی انسان نسبت به انتخاب هایش (به سبب اراده و اختیاری که دارد) می تواند مورد استفاده قرار گیرد. مربی برای ایجاد حس مسئولیت در متربی باید بتواند جایگاه ارزش ها و ضد ارزش ها را در او تشبیت کند. یکی از روشهای موثر در این زمینه روش تحلیل و تصریح ارزشها

است. در این روش، معلم سوالی مطرح میکند و کمک میکند تا متریان درباره موضوع فکر کنند، بخوانند، بنویسند و صحبت کنند. در ضمن اینکه به موضوع توجه میکنند، یک مجموعه از مراحل یا مهارتهای ارزش گذاری شامل درک احساسات افراد، امتحان راه حلها، در نظر گرفتن عواقب ناشی از انتخابهای مختلف و ... را به کار گیرند. در این روش، متریان با استفاده از قضاوتهای اخلاقی و مهارت حل مسئله، به کمک مربی، به تحلیل و ارزیابی سوالا مطرح شده میپردازند و در نهایت، به انتخاب درست، دست می یابند. این فعالیت، موجب بالا رفتن انگیزه و ایجاد اعتماد به نفس و حس مسولیت پذیری در متریان میگردد. به طور کلی، در این روش مربی باید در ضمن اینکه هدایتگر ماهری است، مهارتهای تحلیل و ارزیابی را به متریان آموزش دهد تا به راحتی به یک نتیجه منطقی دست یابند. به عنوان مثال با توجه به داستان های قرانی برای دانش آموزان با لحن مناسب ارائه گردد.

۳-۲-۲. تکلیف اندازه توان

در آیه ۲۳ سوره مرسلات درباره این موضوع چنین آمده است که ﴿فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ الْقَادِرُونَ﴾ «پس به اندازه سامان دادیم و چه نیک تواناییم» یعنی: اعضا و اوصاف جنین و همه احوال و اطوار آن را بر همان وصفی قرار دادیم که خواسته ایم پس ما نیکو سامان دهنده و آفریننده ای هستیم. خداوند متعال در قرآن کریم در ارتباط با تکالیف و وظایفی که متوجه بندگان کرده، می فرماید: «خداوند هیچ کس را جز به اندازه توانش تکلیف نمیکند، هر کس هر کار خیری کسب کرده به سود او است، و هر کار بدی کسب نموده به زیان او است». (بقره: ۲۸۶). آنچه در این آیه محور بحث است، واژه «وسع» می باشد. علامه طباطبائی می گوید کلمه «وسع» به معنای توانایی و تمکن است، اصل در آن وسعت مکانی بوده، بعدها قدرت آدمی چیزی نظیر ظرف تصور شده، که افعال اختیاری آدمی از آن صادر می شود، در نتیجه کارهایی که از انسان سر می زند در حدود قدرت و ظرفیت او است، حال یا کم است و یا زیاد، و آنچه از آدمی سر نمی زند ظرفیتش را نداشته، در نتیجه این استعمال،

معنای وسعت به طاقت منطبق شده، و در آخر طاقت را وسع نامیده، گفتند: (وسع آدمی) یعنی طاقت و ظرفیت قدرت او. (طباطبایی، ۱۳۸۹، ص ۴۴۳). بر همین اساس نباید مربی، همه متربیان را با یک نظر بنگرد بلکه باید انتظاراتش را با قابلیت‌ها و توان متربی متناسب سازی کند و سهولت در تکالیف را معیار کار خود قرار دهد.

۴-۲-۲. نظارت و داوری حقایق

در آیه ۳۸ سوره مرسلات به داوری و نظارت چنین آمده است که: ﴿هَذَا يَوْمُ آلِ فُصْلٍ لِّجَمْعِ نَفْسِكُمْ وَآلِ أُوَلِّينَ﴾ «این همان روز فصل» و داوری «است، شما را با پیشینیان گردآوردیم» یعنی: به کفار گفته می‌شود: این همان روز داوری و فیصله نهایی است که در آن میان خلائق فیصله می‌شود و در آن حق از باطل جدا می‌شود پس ای کفار قریش و ای تکذیب کنندگان این امت! ما شما را در این روز با کفار امتهای گذشته گردآوردیم. در روز قیامت اسرار و عقاید مردم ظاهر و منکشف می‌شود در حالتی که صفوف انبیا و ملائکه مقربین آراسته و خلائق صف در صف ایستاده‌اند و آدمی را با احوالی که در دنیا زندگانی نموده و اعمالی که مشغول بوده و نیاتی که در دل داشته است، مشاهده می‌کنند. (حسینی عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ص ۴۹۰).

مواجه شدن انسان با این شرایط در هر سطح و اندازه‌ای برای نوع انسان بسیار سخت است که می‌تواند به عنوان یک عامل بازدارنده بسیار قوی، در رعایت بسیاری از مسائل زندگی موثر باشد. نظارت دینی، نظارتی آگاهانه و هوشیارانه است که متربی می‌اند همواره رفتار و حرکات او تحت نظارت دقیق الهی است و در آینده باید پاسخگوی اعمال و رفتار خود باشد. چنین نظارتی می‌تواند تأثیر ویژه‌ای بر شخصیت و رفتار وی داشته باشد. بنابراین، کیفیت تأثیر نظارت بر رفتار و احوال انسان، مرهون میزان آگاهی و اعتقاد او نسبت به امر نظارت و چگونگی آن است و این امر مستلزم نوعی مراقبه و محاسبه و خودکترلی است. (حسینی عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ص ۴۹۰).

حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «از مخالفت با فرمان‌های خدایی که در پیشگاه او حاضرید و زمام امور شما به دست اوست و حرکات و سکناات شما در دست قدرت اوست بترسید. اگر شما اعمالی را پنهانی یا آشکارا انجام دهید او می‌داند نگهبانان بزرگواری را گماشته تا هیچ حقی ضایع نگردد و بیهوده ثبت نکنند. (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۳، ص ۱۷۸).

نتیجه گیری

به این ترتیب در این پژوهش به بررسی آموزه‌های تربیتی سوره مرسلات پرداخته است و برجسته ترین پیامدها و آثار و نتایج این بخش مورد بحث و بررسی قرار می‌گردد. پیامدهای استخراج شده سوره مرسلات شامل تهدید و انذار مکذبان و منکران، تفکر انسان نسبت به آفرینش نظام هستی و نظام‌مند بودن هستی (طبیعت) می باشد. قرآن کریم بر تحول آفرینی در شخصیت و رفتار مخاطبان تأکید دارد. این امر مهم در رویکرد تربیتی قرآن کریم به سهولت قابل مشاهده است. در این میان جهت گیری آیات تربیتی قرآن کریم به سمت بهبود اخلاق فردی از اهمیت بیشتری برخوردار است. اگر انسان عبرت پذیر شود و بیاموزد که به حوادث روزگار و آنچه بر دیگران رفته است به دیده عبرت بنگرد، می‌تواند به بصیرتی راهگشا در زندگی دست یابد و بهترین زمینه را برای تربیت خود فراهم کند. در نفس انسان، پاره‌ای از انگیزه‌های فطری است که همیشه به ارشاد و تهذیب نیاز دارد و این کار جز با موعظه میسر نمی‌شود. در شنیدن، اثری است که در دانستن نیست و آدمی به گونه‌ای آفریده شده است که ارشاد را از امر و نهی بهتر می‌پذیرد؛ بر این اساس موعظه روشی برای تذکر و عامل غفلت‌زدایی است. انذار از طرف خداوند متعال بر مبنای دلسوزی و محبتی که نسبت به مخاطبان خود یعنی مخلوقات به ویژه انسان‌ها دارد شل می‌گیرد و با تکیه و تأکید بر عقلانیت و اختیار مخاطب بیان می‌شود. به این معنا که شنونده و مخاطب هیچ گاه احساس اجبار نمی‌کند و حتی پس از شنیدن مخاطبه انذار می‌تواند از آن استنکاف یا امتناع نماید. انسان‌ها پس از دریافت هشدار و انذار رفتارهای خود را با آگاهی و شناخت و آزادی انجام می‌دهند. آفرینش از راه تعقل صورت می‌گیرد و بر این اساس مبنای اصل صدور هستی، ساختاری متافیزیکی در نظر می‌گیرند که در آن، وجود واجب، ذات خود را تعقل می‌کند و با اصل تعقل آفریده می‌شود. اگر به وجود مبداء، اول (خداوند) باور داشته باشیم و آنگاه آفرینش از راه تعقل و به دنبال آن، جهان عقل‌های مجرد را بپذیریم، می‌توانیم امکان وجود جهان‌های بی شمار را هم بپذیریم و چرا چنین است. به این دلیل ساده که هر چه ما موجودات بتوانیم تعقل یا تفکر کنیم، عقلی از جهان

عقل‌ها پیش‌تر از ازل تعقل کرده‌است. در تبیین نتایج یافته‌های فوق می‌توان گفت که آموزه‌های تربیتی
سوره مرسلات چیزی جز راه‌هایی برای آگاه‌سازی و انتقال اطلاعات نیست و در نهایت خود شخص است
که اطلاعات بدست آورده را قبول یا رد می‌کند. بنابراین این امر باید به عنوان یک اصل در جریان تربیت وی
برای رسیدن به رشد نهایی و کمال و آخرین مرحله تربیت یعنی رسیدن به مقام قرب ربوبی شدن مورد توجه
ودقت قرار گیرد.

منابع

*قرآن کریم

کتب فارسی

۱. آسمانی، ا، (۱۳۹۹)، «مبانی دینی مسئولیت‌شناسی و مسئولیت‌پذیری در نظام آموزشی»، انتشارات تزکیه،
۲. به پژوه، ا، (۱۳۹۷)، «اصول برقراری رابطه انسانی با کودک و نوجوان»، انتشارات دانژه.
۳. پیرانی، م، (۱۳۹۹)، «بازخوانی حکایت‌های عرفانی اسرار التوحید یا رویکرد روانشناسی مثبت‌گرا»، انتشارات ادبیات.
۴. جوادی آملی، ع، (۱۳۸۷)، «حکمت نظری و نظری در نهج‌البلاغه»، انتشارات اسراء.
۵. حسینی عبدالعظیمی، ح، (۱۳۶۳)، «تفسیر اثنی عشر»، انتشارات میقات.
۶. دشتی، م، (۱۳۸۲)، نهج‌البلاغه، انتشارات قدس.
۷. راغب اصفهانی، ح، (بی تا)، مفردات الفاظ القرآن، انتشارات دارالقلم.
۸. طباطبایی، م، (۱۳۸۹)، «تفسیر المیزان»، انتشارات اسلامی.
۹. طباطبایی، م، (۱۳۷۹)، صرف ساده، انتشارات دارالعلم.
۱۰. مطهری، م، (۱۳۸۱)، «انسان در قرآن»، انتشارات صدرا.
۱۱. مکارم، ن، (۱۳۷۱)، «تفسیر نمونه»، انتشارات اسلامی.

کتب عربی

۱. ابن فارس، ا، (۱۳۸۷)، «معجم المقایس اللغة»، انتشارات پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۲. ابن منظور، م، (۱۴۱۴)، «لسان العرب»، انتشارات اسلامی.
۳. آمدی، ع، (۱۳۹۵)، «غررالحکم و درر الکلم»، انتشارات دارالحديث.
۴. سیوطی، ج، (۱۳۹۲)، «الاتقان فی علوم القرآن»، انتشارات امیر کبیر.
۵. حر عاملی، م، (۱۴۱۵)، «وسائل الشیعه»، انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
۶. جوهری، ا، (۱۳۶۹)، «الصحاح»، انتشارات امیری.
۷. فیروزآبادی، م، (۱۳۸۰)، «القاموس المحیط»، انتشارات شیرازگان.
۸. طبرسی، ف، (۱۳۸۴)، «مجمع البیان»، انتشارات اسلامی.
۹. مجلسی، م، (۱۳۸۱)، «بحار الانوار»، انتشارات اندیشه.

مقالات

۱. درویش‌پور، ع، (۱۳۹۵)، «اثبات معاد و کیفیت آن؛ دیدگاه نصیر الدین طوسی و مولوی؛ بررسی تطبیقی»، پژوهش‌نامه اسلامی.
۲. مدرکی، ف، (۱۴۰۰)، «نقش دین در معنویت، تطبیق دیدگاه اسلام و روانشناسی»، پژوهش‌نامه اورمزد، (۲).